

سنخ شناسی منابع مورد استناد مدعیان دروغین (بررسی تحلیلی منابع مستندات مدعیان دروغین با رویکرد سنخ شناسی)

محمدشهبازیان^۱

سیدمحمد حسین حسینی^۲

چکیده

بی تردید اثبات مطالب ادعایی به پشتوانه های علمی نیاز دارد. در واقع، عدم پشتوانه های علمی در ارائه مطالب و دیدگاه های مهم دینی و مذهبی، ضمن کم ارزش قراردادن آن نگرش در انظار علمی، قابلیت اتکای خود را از دست خواهد داد و به نوعی آسیب زننده و آسیب زامی گردد. در این میان، مدعیان دروغین تلاش داشته اند، با ارائه مستندات فریبنده، ادعاهای خود را به مخاطبان نشان القا کنند. منابع مورد استفاده این جماعت یا معتبر بوده است؛ اما در آن تحریف ایجاد کرده و یا از ابتدا وجهی برای اعتبار آن منبع در کسب معارف دینی وجود نداشته است. با شناخت گونه های منابع، می توان روش صحیح و بنیادین در تحلیل ادعاهای جریان های انحرافی را اخذ و با آموزش شناسایی منابع معتبر و چگونگی استفاده از آن ها جامعه را از گرایش به انحرافات ایمن کرد. در این مقاله تلاش شده است با روش «توصیفی» و در مواردی «تحلیلی»، به صورت «کتابخانه ای»، گزارشی از منابع مورد استناد مدعیان ذکر گردد. نتیجه پژوهش، حاکی از بهره مدعیان دروغین از منابع مختلف است که برخی اساساً فاقد اعتبار بوده و یا از منابع آمیخته به عقاید فرقه ای است. برخی دیگر، اعتبار نسبی داشته اما محتوای آن مورد دستبرد مدعیان قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سنخ شناسی، منابع، مدعیان دروغین، استناد

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت، گروه جریان شناسی (نویسنده مسول)

m.shahabazin@isca.ac.ir

۲. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه مشهد. hoseinibahar110@gmail.com

مقدمه

در طول تاریخ، خدای متعال بر خود لازم دیده است تا با عرضه آموزه‌های نجات بخش و رحمانی خود، بشر را از جهل به سوی علم و از ظلمت به سوی نور هدایت کند. این مهم در قالب مجموعه‌ای مدون توسط انبیای الهی، اوصیای آنان و عالمان دینی ابلاغ و تبیین گردیده و نام «دین» بر آن نهاده شده است؛ لکن این مهم در طی تاریخ از جانب افرادی مورد هجوم بوده و آنان تلاش کرده‌اند که نور هدایت الهی را خاموش کنند. این افراد را می‌توان در قالب افرادی «دین ستیز»، «دین ساز» و «دین سوز» تقسیم کرد؛ چرا که برخی (دین ستیزان) در اساس اعتقاد به دین تردید داشته و برخی دیگر (دین سازان) اگر چه دین را لازم دانسته‌اند؛ چیزهایی را تبلیغ می‌کنند که از نهاد قلب و ذهن خودشان بافته و به دروغ، صبغه‌ی الهی بدان می‌دهند و دیگرانی (دین سوزان) در ظاهر گسترش دهنده دین مشخص و پایبند به آموزه‌ای بر گرفته از نبی الهی هستند؛ اما در واقع نام آن دین را یدک کشیده و تحلیل‌های ناروا و موافق با هوای نفس خود را به پیروان جاهل ارائه می‌کنند.

مهدویت و موعود باوری نیز که از مهم‌ترین آموزه‌های دینی محسوب می‌گردد، دستاویز این سه دسته بوده و تلاش در انزوا و انحراف آن صورت پذیرفته است.

در این میان، جریان‌های انحرافی و مدعیان دروغین تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از منابع و مستندات، آموزه‌های خود را عالمانه نشان دهند و به مخاطب خود این حس را منتقل کنند که سخنانشان به منابع معتبر و تحلیل‌های نو مستند می‌باشد. این تلاش در حالی است که پس از بررسی مدعاهای فرقه‌های انحرافی در می‌یابیم که روش آنان برخلاف ظاهر، ادعایی بوده و از منابع ناموجود، غیر معتبر و یا بی ارتباط بهره جسته‌اند. در این نوشتار برآنیم تا پس از معرفی منابع مورد استناد مدعیان، تحلیلی بر جایگاه آن منابع ارائه کنیم.

در موضوع این نوشتار، مقاله، کتاب و یا پایان نامه‌ای یافت نگردید؛ اما می‌توان به تعدادی از نگاشته‌ها اشاره کرد که به صورت موردی، به تحلیل برخی از منابع مورد استناد مدعیان دروغین پرداخته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌های «از تبار دجال»، اثر نصرت الله آیتی؛

«مهدیان دروغین»، نوشته رسول جعفریان؛ «قبیله تزویر»، اثر امیر محسن عرفان و «ره افسانه»، نوشته محمد شهبازیان اشاره کرد.

توضیح واژگان

۱. سنخ

این واژه در لغت عرب، به معنای اصل و بن هر چیزی ذکر شده است^۱ و در فارسی، به معنای نوع و گونه استعمال می‌گردد^۲ و می‌توان چنین معتقد شد که چون بحث در انواع و گونه‌های یک موضوع، بحث و سخن از اصل و ریشه آن مطلب است، از واژه سنخ استفاده می‌شود. در این نوشتار، مراد ما این است که انواع و گونه‌های منابع مورد استناد فرقه‌ها و مدعیان دروغین را بررسی کنیم.

۲. منابع

این لغت جمع «منبع» و به معنای محل جوشش آب است^۳ و در اصطلاح به معنای تکیه گاه‌های استدلال بر مطلب و یا فهم معنای مطلبی می‌باشد. به عنوان نمونه، مراد از منابع قرآن، حدیث، اجتهاد، عقل و اجماع می‌باشد که از طریق آن‌ها، فقیه برای حکم خود دلیلی ذکر می‌کند و محل استخراج و استدلال فقیه است. در این نوشتار نیز مراد، خاستگاه استنادات اثباتی برای یک مدعی، توسط خود و یا میردانش می‌باشد که این خاستگاه اعم از مکتوبات و غیر مکتوبات است.

۳. مدعیان دروغین

از آسیب‌های موجود در جامعه دین‌گرا، جعل استنادات دینی و انحراف در برداشت از متن‌های مورد استناد دین می‌باشد. مهدویت و موعود باوری نیز به عنوان یکی از معارف زیر مجموعه در دین، از این آسیب دور نمانده و افرادی در ایجاد انحراف در آموزه‌های مهدوی تلاش دارند. از مصادیق بارز این افراد می‌توان به جامعه مدعیان دروغین اشاره کرد.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۶.

۲. معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۸۸۲.

۳. حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۱، ص ۴۶۸.

امروزه با توجه به ادعاهای صورت گرفته در زمینه مهدویت، می‌توان این تقسیم بندی^۱ را برای ادعاهای صورت گرفته از جانب مدعیان دروغین نام برد.

۱. ادعای امامت و مهدویت (که مهدویت نوعی و شخصی را شامل می‌گردد)؛
۲. ادعای نیابت خاص از جانب حضرت مهدی علیه السلام و عدم اتمام آن به نواب اربعه؛
۳. ادعای زمینه سازی ظهور در قالب افرادی مانند یمانی، شعیب بن صالح و خراسانی؛
۴. ادعای ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام در قالب خواب، مکاشفه و دیدار حضوری (برخی دلیل این ارتباط را همسری یا فرزندگی امام مهدی علیه السلام می‌دانند).

منابع مورد استفاده مدعیان دروغین

در هر علمی، منابع دارای تفاوت بوده و می‌توان بنا بر ویژگی‌های علم و موضوع متبوع به تقسیم بندی منابع آن اشاره کرد. مسئله مورد نظر این نوشتار همانند دیگر مسائل، با یک تقسیم کلی می‌توان منابع را به «منابع دست اول» و «ثانویه» و یا «معتبر» و «غیر معتبر» تقسیم بندی کرد. همچنین می‌توان تقسیم بندی دیگری مانند «منابع موجود» و «غیر موجود» یا «انحصاری» و «عمومی» را عنوان کرد.

اما از منظر دیگر می‌توان منابع را در موضوع مدعیان دروغین تقسیم بندی کرد که نوشتار حاضر به دنبال طرح آن می‌باشد:

۱. مکتوب؛
 ۲. غیر مکتوب.
- منابع مکتوب نیز خود به ۱. قرآن، ۲. کتاب‌های ادیان گذشته، ۳. کتاب‌های حدیثی (قدم و متاخران)، ۴. کتاب‌های غیر حدیثی (کتاب‌های پیشگویان) تقسیم می‌گردد.
- منابع غیر مکتوب نیز به ۱. بیانات شفاهی، ۲. خواب، ۳. علوم غریبه، ۴. معجزه، ۵. استخاره تقسیم می‌گردد.

۱. جهت آگاهی از تقسیم بندی‌های دیگر، رک. عرفان، امیر محسن، گونه شناسی مدعیان دروغین مهدویت، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، شماره ۲۰، ص ۸۳).

۱. منابع مکتوب

۱-۱. قرآن

«قرآن» به عنوان معتبرترین منبع استخراج آموزه‌های اسلامی مورد اتفاق تمام فرقه‌های اسلامی است و قطعی‌الصدور بودن آن موجب گردیده است تا فرقه‌های اسلامی برای به کارگیری آیات الهی در اثبات مدعای خود تلاش کنند. در این زمینه مدعیان دروغین از این امر غافل نبوده و با تفسیر نادرست و یا تاویل بدون دلیل، ادعاهای دروغین خود را به مخاطبشان القا می‌کنند. یکی از فرقه‌هایی که بیش‌ترین سهم را در سوء استفاده از آیات الهی دارد، گروهک انحرافی بهائیت می‌باشد. این گروه برای اثبات ادعای حجت بودن علی محمد شیرازی به تاویل آیتی دست زده است که در نوع خود عجیب است و جای تامل دارد. به عنوان نمونه ابوالفضل گلپایگانی در کتاب: «فرائد» استدلال و برداشت زعمای بهائیت را در مورد آیه ۵ از سوره سجده، مفصلاً مورد بررسی قرار داده و نوشته است:

«ترجمه آیه مبارکه این است که تدبیر می‌فرماید خداوند امر را از آسمان به زمین. پس به سوی او عروج خواهد نمود در مدت یک روز که مقدار آن هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید؛ یعنی حق جل جلاله امر مبارک دین مبین را اولاً، از آسمان به زمین نازل خواهد فرمود و پس از اکمال و نزول در مدت یک هزار سال انوار دیانت زایل خواهد شد و اندک اندک در مدت مزبوره؛ ثانیاً، به آسمان صعود خواهد نمود و این معلوم است که نزول انوار امر دین از آسمان به زمین معقول و مقصود نیست؛ إلا به وحی‌های نازله بر حضرت سید المرسلین و الهامات وارده بر ائمه طاهرین و این انوار در مدت دویست و شصت سال از هجرت خاتم الانبیاء تا انقطاع ایام ائمه هدا کاملاً از آسمان به زمین نازل شد و مائده سماویه به نزول قرآن و بیانات ائمه علیهم‌السلام که مبین کتاب بودند بر امت اسلامی تماماً مبذول شد و چون در سنه دویست و شصت هجریه حضرت حسن بن علی عسکری علیه‌السلام وفات فرمود و ایام غیبت فرا رسید و امر دیانت به آرای علما و انظار فقها منوط و محول گشت اندک اندک اختلاف آرا و تشتت اهوا در اقوال و افعال رؤسای ملت بیضا ظاهر شد و یوماً فیوم به سبب ظهور ظلمت بدع و

اختلافات افق امر الله تاریک تر و مظلم تر گشت تا آن که از اسلام به جز اسم باقی نماند و عزت و غلبه امم اسلامی به ذلت و مغلوبیت مبدل شد و پس از انقضای هزار سال تمام از غیبت در سنه ۱۲۶۰ هجری شمسی حق از افق فارس ظاهر گشت و بشارت قرآن و حدیث کاملاً تماماً تحقق پذیرفت.^۱

این تحلیل نا بجا از آیه، در حالی است که بهائیت بدون دلیل، ابتدای هزار سال را از سال ۲۶۰ قمری دانسته و باید پرسید چرا ابتدا را از زمان هجرت و یا آغاز اكمال دین در سال های ابتدایی شکل گیری اسلام قرار نداده اند؟ و در کنار این مطلب می توان اشکالات متعدد دیگری به این استدلال وارد کرد.^۲

۲-۱. کتاب های ادیان گذشته

برخی از مدعیان برای اثبات ادعاهای خود تلاش می کنند که از کتاب های مقدس دیگر ادیان، به ویژه عهد عتیق و عهد جدید بیشترین بهره را بگیرند. عبارت های استعاره ای، مغلق و گنگ در قسمت هایی مانند مکاشفه یوحنا و کتاب دانیال، این فرصت را به آن ها می دهد تا با استفاده از عبارت هایی مبهم و عام و ضمیمه کردن برخی سخنان زیبا و ذوقیات عامه پسند، ادعای خود را القا کنند. لذا گروهی انحرافی مانند احمد اسماعیل بصری در موارد متعدد، به بخش هایی از کتاب مقدس، استناد دهد و با معرفی خود به عنوان عالم ترین مفسر فعلی کتاب مقدس، عبارت هایی را استفاده کند. به عنوان نمونه وی آیه ای از عهد عتیق را در اثبات آمدن سفیر و نایب برای حضرت مهدی (علیه السلام)، تفسیر و سعی کرده است که آن را در مسیر مصداق یابی برای مهدی اول و فرزند امام زمان (عج) قرار دهد:

و نهالی از تنه یسی برآمده، شاخه ای از شاخه هایش قد خواهد کشید ... ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمینی به راستی تنبیه (و مایه بیداری) خواهد بود. کمربند کمرش عدالت و وفانطاق میانش خواهد بود. گرگ با بره سکونت داشته ... و طفل کوچک راعی (شبان) ایشان خواهد بود ... و در تمامی کوه مقدس من، هیچ ضرر و فساد نخواهد کرد؛ زیرا که زمین از دانش

۱. نجفی، بهائیان، ص ۴۳۹.

۲. ر.ک: نقد استناد بهائیان به آیات و روایات در اثبات مهدویت علی محمد شیرازی، محمد علی پرهیزگار، مجید حیدری فر، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، شماره ۳۹.

خداوند مثل آب‌هایی که دریا را فرو می‌گیرند، پر خواهد شد. این آیات تطبیق به دوران قیامت صغرا و دوران حکومت عدل الهی دارد. پس امام مهدی (علیه السلام) از نسل یسی بوده؛ چرا که مادرش از مسیحیان و خاندان شمعون پطرس می‌باشد و مراد از شاخه‌ای از شاخه‌هایش، مهدی اول می‌باشد؛ چرا که او فرزند حضرت مهدی (علیه السلام) است.^۱

همان گونه که واضح است، در این عبارت‌ها به فرزند حضرت مهدی (علیه السلام) و یا مهدی اول و یمانی اشاره‌ای نگردیده و احمد اسماعیل بصری سخنی بدون دلیل را به همراه ذوقیات خود ارائه کرده است.

۳-۱. کتاب‌های حدیثی

بیش‌ترین حجم استنادات در میان مدعیان دروغین مهدویت و زمینه‌سازی، بهره‌گیری از روایات است. عمده دلیل این نوع از بهره‌وری نیز وجود برخی روایات متشابه و همسو با ذوق‌های فردی و وجود برخی مصادیق کلی از حیث اشخاص و زمان‌ها می‌باشد که تطبیق دهی و این همانی را برای سوءاستفاده‌گران راحت‌تر می‌کند. باید توجه داشت که شگرد مدعیان در ارائه دلایلی بر امامت خود، این است که برخی روایات را که غالباً با آنچه به دنبال آن هستند و غریبه می‌باشد، مورد استناد قرار داده و گاه با دستبرد در آن و اختلاط مبانی صحیح و ناصحیح، با ایجاد شبهه‌های متعدد، به اثبات باور خود می‌پردازند؛ چرا که روش کاری مدعیان به طور کلی بهره‌گیری از:

۱. روایات جعلی و غیر معتبر؛

۲. تقطیع روایات و برش زدن قسمتی از آن و رها کردن قسمتی دیگر؛

۳. تحریف لفظی و معنوی روایات است.

همان گونه که استفاده از روایات جعلی به فرقه مغیره نسبت داده شده است^۲ و نیز فرقه واقفیه تلاش کردند تا با تحریف در برخی احادیث، مهدی بودن را به امام کاظم (علیه السلام) نسبت داده و شهادت ایشان را منکر گشته و به همین دلیل از پس دادن اموال امام به وارث ایشان (امام رضا)

۱. محمدی، وصی و فرستاده امام مهدی در کتابهای تورات و انجیل و قرآن، ص ۱۸.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۵۰.

خودداری کرده و خود را منتظر بازگشت امام هفتم جلوه دهند.^۱ همچنین مدعیان نیز بدین روش تمسک می‌کردند.

این سه روش امروزه نیز در میان مدعیان مرسوم بوده و پس از مراجعه به ادله ادعایی آنان می‌توانیم عدم علم و هدفمندی ناصحیح استنادات آنان را به تصویر بکشیم.

بهره‌گیری مدعیان از منابع روایی

قابل ذکر است که بهره‌گیری مدعیان از منابع روایی خود شامل انواعی می‌گردد. در یک تقسیم بندی می‌توان منابع استنادی آنان را به:

الف) کتاب‌های قدما؛ ب) کتاب‌های متاخران، به ویژه معاصران، تقسیم کرد.

در تقسیم بندی دیگر می‌توان به الف) منابع معتبر؛ ب) منابع غیر معتبر، تقسیم کرد.

آنچه را لازم است مخاطبان معارف دین، به ویژه مهدویت بدانند، این است که با توجه به وجود روایت‌های جعلی و یا ضعیف، نمی‌توان هیچ کتاب حدیثی را از اشتباه مبرا دانست و این چنین نیست که حتی روایات کتاب‌های معتبری مانند کتب اربعه را بدون بررسی و تحلیل سندی و محتوایی قبول کرد. با این حال در گام اول لازم است که روایت‌های نقل شده در ادعاهای مدعیان دروغین را از کتاب‌های اصیل و معتبر جست و جو کرد و در گام دوم در صورت وجود آن‌ها در کتاب‌های قدما و منابع معتبر، به تحلیل سندی و روایی آن و جمع‌آوری خانواده روایات برای فهم حدیث اقدام کرد. با این اقدام و پس از مراجعه به منبع و مصدر اصلی روایت نقل شده توسط مدعیان، بر هیچ محقق منصفی پوشیده نیست که شگرد مدعیان در یکی از موارد زیر نمود پیدا می‌کند:

۱. استفاده از منبع قدیمی و معتبر با شگرد بهره‌گیری از روایت ضعیف، تقطیع و تحریف؛

احمد اسماعیل روایتی را چنین ذکر می‌کند:

«له (قائم) اسمان اسمٌ یُخْفَى وَ اسْمٌ یُعْلَنُ فَأَمَّا الَّذِی یُخْفَى فَأَحْمَدُ وَ أَمَّا الَّذِی یُعْلَنُ فَمُحَمَّدٌ.»

۱. طوسی، الغیبة، ص ۶۸.

استدلال

این گروه اعتقاد دارند که مراد از عبارت «اسم» در این جا «شخصیت» می باشد و نمی توان آن را بر معنای حقیقی اسم، یعنی «نام افراد» حمل کرد. از این رو، مدعی هستند که در روایت، به شخصیت مخفی و گمنام احمد در برابر شخصیت آشکار و شناخته شده حضرت مهدی (علیه السلام) اشاره شده است.^۱

نقد

بسیار عجیب است که این افراد در تعیین مصداق برای صفات ذکر شده در ابتدای روایت، تصریح می کنند که این صفات، به امام مهدی (علیه السلام) اختصاص دارد^۲ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقام بیان خصوصیات جسمانی حضرت مهدی (علیه السلام) هستند؛ اما ادامه روایت را بدون دلیل، اشاره به دو فرد می دانند.^۳

اشتباه این گروه در استدلال به روایت بر کسی پوشیده نیست و استدلال آنان حاکی از عدم اطلاع از فقه الحدیث و درک متن روایی می باشد؛ چراکه جواب به این استدلال در اصل روایت روشن می گردد.^۴ با رجوع به اصل روایت روشن می شود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) همه این خصوصیات و عبارت نام آشکار و مخفی را برای یک فرد ذکر کرده اند، نه در مورد دو نفر. عبارت های مفرد موجود در روایت، مانند «یخرج رجل»، «له»، «رایته» و «یده»، شاهد این ادعایند.

به یقین امیرالمؤمنین (علیه السلام) دو اسم را برای یک فرد بیان کرده اند و مرادشان در این روایت، حضرت مهدی (علیه السلام) است؛ چراکه نمی توان اینگونه فرض کرد که حضرت علی (علیه السلام)، در تمام عباراتشان (طبق نوع بیان و کلام) درباره یک نفر و خصوصیات همان فرد را ذکر کنند؛ اما در مقام تطبیق، عبارت نهایی کلام ایشان را به دو نفر ناظر بدانیم و بر آن دو نفر تطبیق دهیم، آن

۱. اسماعیل بصری، المتشابهات، ج ۱، ص ۲۲۹.

۲. جهت اطلاع از صفات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام و اشتباهات احمد بصری ر.ک. شهبازیان، محمد، رضائزاد، عزالدین، تحلیل چهره شناسی حضرت مهدی علیه السلام و نقد دیدگاه تعدد قائم)، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود ش ۴۳.

۳. زیادی، یمانی موعود حجت الله، ص ۵۸.

۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۳.

هم بدون این که در کلام ایشان تفاوتی گذاشته شده و یا قرینه‌ای بر این التفات یافت گردد. صحیح نیست حضرت علی (علیه السلام)، خصوصیات یک نفر را بیان کنند و در مورد یک فرد سخن بگویند؛ اما در مقام تطبیق، انتهای کلام ایشان را بدون دلیل به دو نفر نسبت بدهیم. مراد از اسم مخفی نیز این است که عموماً مردم، حضرت مهدی (علیه السلام) را با نام «محمد» می‌شناسند و کم‌تر از نام «احمد» استفاده می‌کنند. عبارت «یخفی» به کم‌استعمال و غیر معروف، ترجمه می‌شود.

۲. استفاده از منبع قدیمی غیر معتبر با بهره‌گیری از روایت جعلی، ضعیف، تقطیع و تحریف؛ شیخ ناظم عقیلی^۱، از مشهورترین مبلغان احمد اسماعیل در تبیین یک روایت می‌نویسد:

سید بن طاووس، همچنان از نعیم بن حماد نقل کرده: «... ثم یملک رجل أسمر یملئها عدلاً ثم یسیر إلى المهدی و یؤدی إليه الطاعة و یقاتل عنه؛^۲ پس از آن، مرد گندم‌گونی، حاکم می‌شود و زمین را پر از عدل می‌کند، سپس به سوی مهدی (علیه السلام) می‌رود و مطیع ایشان شده، از سوی آن حضرت به جنگ می‌پردازد.

منظور شیخ عقیلی این است که آن مرد گندم‌گون، احمد بصری است. در واقع او و دیگر مبلغان احمد با قرار دادن این روایت در کنار دیگر روایت‌های ادعا شده، مانند خروج فردی از بصره با نام احمد^۳ و ادعای اسمر اللون بودن احمد اسماعیل^۴، روایت‌هایی این چنین را به احمد اسماعیل نسبت می‌دهند.

نقد

اولاً: اولین مصدر نقل این گزارش، الفتن نعیم بن حماد (۲۲۸ ق) می‌باشد و منابع دیگری از جمله سید بن طاووس از او نقل کرده‌اند. ابن حماد گزارش را چنین نقل آورده است:

۱. عقیلی، الرد الحاسم، ص ۳۷.

۲. ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۳۹.

۳. طبری، دلائل الإمامة، ص ۵۷۴. چگونگی استدلال احمد اسماعیل به این روایت را در کتاب (ره افسانه) نقد و تحلیل کرده ایم.

۴. الانصاری، جامع الادلة، ص ۲۰۴.

قال أبو قبيل: يكون بإفريقية أمير اثنا عشر سنة ثم تكون بعده فتنة، ثم يملك رجل أسمر يملأها عدلا، ثم يسير إلى المهدي فيؤدى إليه الطاعة ويقاتل عنه؛ أبو قبيل می - گوید: مردی به مدت دوازده سال در آفریقا حاکم می شود. سپس فتنه‌ای در می گیرد تا این که یک مرد گندم گون بر آن منطقه حاکم می شود و آن جا را پراز عدل می کند. سپس به سوی مهدی (علیه السلام) می رود و پیرو آن حضرت شده و از سوی ایشان به جنگ می پردازد.»

در واقع، ناظم عقیلی می بایست روایت را از منبع اصلی یعنی کتاب **الفتن** نقل می کرد تا این اشتباه پیش نیاید.

خواننده گرامی با اندک تاملی به خوبی در می یابد که وقتی عبارت «یکون بإفريقية» حذف شود، ضمیر «ها» در فعل «یملؤها» کنایه از همه زمین خواهد بود، نه آفریقا؛ و به این صورت است که عقیلی مصداق یک مرد گندم گون را احمد بصری بر می شمارد؛ اما حقیقت آن است که ضمیر «ها» به «افريقية» باز می گردد؛ یعنی فتنه‌ای در آفریقا بروز می کند (نه در بصره) و بعد از آن، یک مرد گندم گون بر آن جا حاکم می شود (و شاید هم از خود آفریقا باشد) و آن منطقه را از عدل پر می کند. بنابراین، ضمیر «ها» در «یملؤها» به «إفريقية» باز می گردد. ادامه حدیث چنین است که این مرد سپس از آفریقا راه می افتد تا نزد امام مهدی (علیه السلام) برسد. در واقع این روایت، حوادثی را بیان می کند که فقط قرار است در آفریقا رخ دهد.

اما وقتی به کتاب الملاحم که او این حدیث را از آن نقل کرده است، مراجعه می کنیم؛ ملاحظه می شود که کتاب الملاحم در نقل این حدیث از کتاب الفتن نعیم بن حماد دچار اشتباه شده و یک جمله را جا انداخته است.

ثانیا: این مطلب گزارش ابوقبیل از راویان اهل سنت است و به معصومین (علیهم السلام) ارتباطی ندارد. تمسک احمد و یارانش به گزارش‌های موجود در منابع اهل سنت که حتی روایت محسوب نمی شوند، حکایت از خالی بودن دست این جریان دارد.

۱. ابن حماد، الفتن، ص ۲۱۵.

به هررو، همان گونه که بیان شد اصل روایت توسط نعیم بن حماد نقل شده و سید بن طاوس همانند دیگر منابع از این کتاب روایت را ذکر کرده است. پس توجه و تمسک به منبع اصلی اولویت دارد. از طرف دیگر، در تمام منابع به جز سید بن طاوس عبارت «یکون یافریقیه» نقل شده است که بر افتادن این عبارت در کتاب سید بن طاوس دلالت دارد.^۱

و اگر کسی با ادبیات عرب اندک آشنایی داشته و فهم از کلام را آموخته باشد، به وضوح در می‌یابد که صدر و ذیل این کلام بر حکومت این فرد در افریقا دلالت می‌کند. در اصل ترجمه چنین است: «بعد از ایجاد فتنه‌ای در افریقا، مردی گندم‌گون حکومت افریقا را به دست می‌گیرد و عدالت را در آن جا می‌گستراند. سپس به سمت مهدی حرکت می‌کند و برای او می‌جنگد.»

۳. استفاده از منبع متاخر معتبر، با شگرد بهره‌گیری از روایت ضعیف، تقطیع و تحریف؛ استناد به نقل جزیره خضرا در بحار الانوار و تلاش بر اثبات جزیره‌ای که فرزندان حضرت مهدی (علیه السلام) در آن زندگی می‌کنند، نمونه‌ای از تلاش‌های احمد بصری و مریدانش به عنوان مستندات ضعیف و حتی جعلی می‌باشد و آیت الله دوانی نیز در ترجمه‌ای بر جلد سیزده بحار الانوار که با نام مهدی موعود (علیه السلام) چاپ شده است، به کلاهبرداری‌های علمی بهائیان و به ویژه دروغ‌های ابوالفضل گلپایگانی در کتاب‌های فرائد، اشاره کرده است.^۲

۴. استفاده از منابع متاخر غیر معتبر به همراه بهره‌گیری از روایت ضعیف، جعلی، تقطیع و تحریف؛

قابل ذکر است امروزه کتاب‌هایی در اختیار خوانندگان معارف مهدوی وجود دارد که متأسفانه از گزارش‌های جعلی، تحریف‌های معنوی و تطبیق‌های ناروا مملو است. برخی از این کتاب‌ها در میان نویسندگان شیعه عبارتند از: کتاب‌های شیخ ابوالحسن مرندی، به ویژه کتاب نورالانوار

۱. سیوطی، العرف الوردی فی اخبار المهدی، ص ۱۲۴.

۲. دوانی، مهدی موعود، ص ۱۶۵.

ایشان؛^۱ یوم الخلاص اثر کامل سلیمان؛ بیان الائمة، اثر محمد مهدی زین العابدین و دویست و پنجاه علامت ظهور، اثر محمد علی حسنی طباطبایی.^۲

به عنوان مثال، می توان به این عبارت طباطبائی در کتاب خود که به عنوان روایت ذکر کرده است و هیچ اثری از آن در منابع متقدم شیعی نیست؛ اشاره کرد:

«أنه يحكم العراق رجل طويل القامة أسمر اللون يبدأ حكمه بسفك الدماء كصاحب الزنج و يصيب العراق منه خوف شديد و قتل فظيع يحكمهم في مدة عشرين سنة و لا نعرف متى تبدأ بحساب العشرين سنة^۳»

۱-۴. پیشگویی ها

از گذشته مرسوم است که عده ای از آینده خبر داده و مطالبی را به صورت مبهم یا صریح در میان مردم تبلیغ می کنند. در این میان، افرادی بیشترین نام از آن ها برده شده اند و از این رو، دست خناسان و تحریف گران، به ویژه جریان های انحرافی از سخنان گفته و نگفته آنان بهره می گیرند. از این میان افرادی مانند شاه نعمت الله ولی و نوستراداموس را می توان نام برد که بیشترین تحریف را کتاب هایشان می توان ملاحظه کرد و سخنانی را از آن ها ذکر می کنند که قطعاً جعلی می باشد.

چاپ نامه های خصوصی نوستراداموس در سال ۱۹۸۳ و طی سال های پس از آن، نسخه های اصلی سال های ۱۵۵۵ و ۱۵۵۷ کشف شده توسط چومارات و بنازرا، به همراه کشف بسیاری از مطالب آرشیو شده؛ نشان داد که بسیاری از حرف هایی که در مورد نوستراداموس گفته شده بود،

۱. در مورد این فرد ر.ک: نقد برخی روایت های مهدوی در کتاب های شیخ ابوالحسن مرندي، محمد شهبازيان، فصلنامه پژوهش های مهدوی، شماره ۱۱، و نقد و بررسی نشانه های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندي، محمد شهبازيان، فصلنامه انتظار موعود شماره ۴۶.

۲. برای مطالع بیشتر و نقد این فرد، ر.ک: جهت مطالعه بیش تر در مورد این فرد ر.ک. بررسی تسامح در نقل روایات نشانه های ظهور با تأکید بر کتاب مأتان و خمسون علامه، خدامراد سلیمان، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۵۳ و نقد بیان الائمة را در کتاب بیان الائمة و خطبة البيان فی المیزان، علامه سید جعفر مرتضی مشاهده کنید.

۳. سلیمان، سی تسامح در نقل روایات نشانه های ظهور با تأکید بر کتاب مأتان و خمسون علامه، انتظار موعود، ص ۵۹.

با اسناد حقیقی مطابقت نداشت. رندی جیمز از چهره‌های دانشگاهی می‌نویسد که هیچ سند معتبر امروزی هیچ یک از ادعاها را ثابت نمی‌کند. بسیاری از ادعاها مشخصاً براساس شایعات غیر معتبر بوده است که توسط مفسران بعدی همچون ژابرت (۱۶۵۶م)، گوناد (۱۶۹۳م) و بارست (۱۸۴۰م) بر اساس تفاسیر غلط از متون فرانسوی قرن ۱۶ و یا بر اساس کذب محض به عنوان حقیقت نقل شده‌اند؛ حتی ادعایی که رباعی L۳۵ دقیقاً مرگ پادشاه هنری دوم را پیشگویی کرده است؛ در سال ۱۶۱۴، یعنی ۵۵ سال پس از آن واقعه چاپ شد.^۱ اشعار شاه نعمت‌الله ولی نیز از این دست تحریف‌ها در امان نبوده و تا کنون ابیات متعددی به دیوان او افزوده شده است.^۲

احمد اسماعیل بصری یکی از این افراد است که از این روش برای اثبات خود استفاده کرده است. او برای اثبات ادعاهاى خود به ماجد المهدی نویسنده کتاب «آغاز جنگ آمریکا علیه امام مهدی»، به پیشگویی‌های نوستراداموس تمسک جسته و بدون هیچ دلیل منطقی و تنها بر مبنای تاویل گزایی و ذوقیات نادرست، کلام نوستراداموس را به نوعی تاویل می‌کند که مطابق میل شخصی اوست و در نهایت، چنین نتیجه می‌گیرد:

«وصی یاد شده در پیشگویی نوستراداموس امام مهدی نیست، بلکه وصی امام مهدی

و اولین مهدی از دوازده مهدی که در روایات همان یمانی است، می‌باشد.»^۳

لذا موارد سوءاستفاده قرار گرفته، عبارتند از:

۱. استفاده از منبع قدیمی و معتبر با شگرد بهره‌گیری از روایت ضعیف، تقطیع و تحریف؛

۲. استفاده از منبع قدیمی غیر معتبر به همراه بهره‌گیری از روایت جعلی، ضعیف، تقطیع

و تحریف؛

۳. استفاده از منبع متاخر معتبر، با شگرد بهره‌گیری از روایت ضعیف، تقطیع و تحریف؛

1 . <http://fa.wikipedia.org>

۲ فرزام، شاه ولی و دعوی مهدویت، ص ۲۶.

۳. اسماعیل بصری، بیان الحق والسداد، ص ۱۸.

۴. استفاده از منابع متاخر غیر معتبر به همراه بهره‌گیری از روایت ضعیف، جعلی، تقطیع

و تحریف.

۲. منابع غیر مکتوب

۱-۲. بیانات شفاهی

در این جا عموماً سخنرانی‌ها و یا خاطراتی شفاهی مراد است که افرادی عضو یا خارج از فرقه بیان و مدعی و طرفدارانش بدان استناد می‌کنند. این سخنان شفاهی گاهی پیشگویی‌هایی در مورد آینده و گاهی بیان گزارشی تاریخی و یا روایتی از زبان معصومان می‌باشد. در این میان، می‌توان به ادعاهای علی محمد شیرازی در ذکر سخنان و دستوراهای سید کاظم رشتی اشاره کرد.

میرزا جانی کاشانی مدعی می‌شود که سید رشتی قبل از فوت خود، غیر مستقیم زمینه سازی ظهور باب را انجام داده و وی به آمدن باب در مجلس و مواقع مختلفی بشارت داده؛ ولی کاملاً غیرصریح و کنایه وار بیان کرده است.^۱

میرزا جانی کاشانی در ترسیم چنین سیری، محققان را متقاعد می‌کند که شیخیه در بطن خود، مستقیماً زمینه ظهور مدعیان بابت و حتی قائمیت را فراهم کرده بود و بدین لحاظ، علی محمد شیرازی، می‌بایست تمام همّ خود را برای اثبات دعوی خود، براساس رفتار و گفتارهای شیخ و سید، صرف کند.

بدین منظور، بیانات و رفتارهای ابهام‌آمیز شیخ و سید کاظم رشتی، و عدم صراحت لهجه و نص آنان نسبت به ادعای بابت، مجالی مساعد برای علی محمد شیرازی به شمار می‌آید تا با اثبات مقام بابت و اتکاء بر آن برای شیخ و سید، و مفتوح شدن چنین بابی (به دست آنان) پس از غیبت کبرای امام، جرأت ادعای بابت را در خود بیابد. بدین منوال که علی محمد شیرازی پس از دعوی قائمیت، شیخ و سید را مبشّر خود می‌خواند و از این طریق، پیوستگی خود را با زمینه‌های شیخی امری ناگسسته تلقی می‌کند.^۲

۱. نجفی، بهائیان، ص ۱۵۷.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۲-۲. خواب

«خواب» یکی از پیچیده‌ترین ابزارها برای اقدامات سیاسی مختلف و از جمله مهدویت است. این مسئله، درباره بسیاری از متمهدی‌های تاریخ (مهدیان دوغین) وجود دارد. عده‌ای با بهروری از راه‌های غیرعادی و تصرف در خواب‌ها و یا تلقین و درگیرسازی ذهن مریدان و مخاطبان خود، تلاش کرده‌اند از طریق خواب و رویا، حجیت و صحت دعوت خودشان را در نظر اطرافیان و مریدان جلوه دهند و به نوعی آنان را جذب و یا ایمانشان را تثبیت کنند. در عصر جدید، در ماجرای جُهمان و قحطانی و حتی درباره مهدی سودانی و بسیاری دیگر، خواب، یک ابزار مهم در اثبات مهدویت تلقی می‌شود.^۱ بحث و بررسی درباره خواب به قدری مهم و قدیمی است که سالیان سال مباحث متعددی از عالمان دینی و محدثان شیعه و اهل سنت، در مورد ماهیت خواب و رویا و انواع آن، ارائه گردیده است.^۲

اما مسئله اصلی درباره بحث از خواب و رویا، جایگاه شرعی آن است؛ یعنی آیا بنا بر آیات الهی، خواب و رویا می‌تواند راهی برای تشخیص مصداق امام و حجت الهی قرار گیرد؟ در میان متکلمان و فقهای شیعه کسی به اعتبار خواب و رویا، در کشف و یافتن حکم فقهی قائل نشده است.^۳ و با وجود سختگیری عالمان شیعی در اثبات اصول عقاید با تمسک به ادله قطعی^۴، به طریق اولی، خواب و رویا در مسائل عقیدتی، مانند کشف حجت الهی و امام معصوم راهی ندارد. به عنوان نمونه، شیخ مفید^۵، سید مرتضی^۶، علامه حلی^۷، ملا احمد نراقی^۸، میرزای قمی^۹، علامه

۱. جعفریان، مهدیان دروغین، ص ۳۹.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۱.

تهانوی، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۸۸۷.

۳. شهبازیان، خواب پریشان، ص ۵۴.

۴. سبحانی، ارشاد العقول، ج ۳، ص ۳۱۶.

۵. مفید، الفصول المختارة، ص ۱۳۰.

۶. سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۱۳.

۷. حلی، اجوبة المسائل المهنائية، ص ۹۸.

۸. نراقی، مناهج الأحكام و الاصول، ص ۱۹۱.

۹. گیلانی، قوانین الاصول، ج ۱، ص ۴۹۶.

مجلسی^۱، شیخ حر عاملی^۲ و آیت الله جوادی آملی^۳، مباحثی را در این زمینه مطرح کرده و حدود اعتبار رویا و خواب را بیان کرده‌اند. از طرف دیگر، افرادی از میان مدعیان دروغین که به حجیت رویا قائل شده‌اند، دلیلی منطقی بر اثبات دیدگاه خود ارائه نکرده‌اند. و بر کسی مخفی نیست که شیاطین می‌توانند برای انسان‌ها تخیل دیدن معصوم (علیه السلام) را ایجاد کنند و الزاما افرادی که به نام رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) یا دیگر از معصومان (علیهم السلام) رویت می‌شوند، خود معصوم (علیه السلام) نیستند تا به تبع آن دستورهای داده شده در رویا لازم الاجرا باشند. لذا نگارنده در نوشتاری مفصل به بیان و نقد ادله مدعیان در این باره پرداخته است.^۴

تاریخچه استفاده از رویا در میان فرقه‌ها و مدعیان

در این قسمت به تعدادی از مدعیان که در اثبات ادعای خود از خوب استفاده کرده‌اند اشاره می‌کنیم.

الف) فضل الله حروفی

فضل الله حروفی (۷۹۶ ق)، اصالتا از استر آباد بود و سال‌ها در اصفهان زندگی کرد. از آن جا به مکه رفت و بازگشت و در سال ۷۷۸ هجری، در این شهر ادعای مهدویت کرد. اثبات مهدی بودن وی با خواب و این که این ادعا در خواب مورد تایید حضرت علی (علیه السلام) هم قرار گرفته، در «نوم نامه» وی آمده است:

در اوایل جمادی الاولی سنه ست و ثمانین و سبعمائنه (۷۸۶ ق) دیدم در ذی حجه که جامه من سپید و پاک، به غایت شسته بودند و بینداخته و من دانستم که جامه من است و می دانستم که جامه مهدی است امام، یعنی می دانستم که منم.^۵

ب) فرقه بابیه و علی محمد شیرازی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۲۳۸.

۲. حر عاملی، الفصول المهمة، ج ۱، ص ۶۸۹.

۳. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۶، ص ۱۴۱.

۴. تذکر داده شد که ادله ی مدعیان در کتاب (خواب پریشان) تالیف نگارنده مستقلا بحث شده است.

۵. جعفریان، مهدیان دروغین، ص ۱۰۷.

علی محمد شیرازی (۱۲۶۶ ق) بنیانگذار فرقه بابیه و یارانش از رویا در اثبات دعوت باطل خود بهره برده‌اند و علی محمد باب در مورد خود چنین می‌گوید:

یک سال قبل از اظهار امر در رویا چنین مشاهده کردم که سر مطهر امام حسین (علیه السلام) از درختی آویخته است قطرات خون از آن می‌چکد. من نزدیک آن درخت رفتم نهایت بهجت و سرور را داشتم که به چنین موهبتی فائز شدم. دو دست خودم را پیش بردم و در زیر حلقوم بریده مقدس امام حسین (علیه السلام) که خون از آن می‌چکید، نگاه داشتم مقداری خون در دست من جمع شد؛ آن‌ها را آشامیدم. وقتی که بیدار شدم، خود را در عالم دیگر مشاهده کردم؛ روح الاهی از تجلی خویش جسم مرا می‌گذاخت و سرا پای مرا انوار فیض خداوند فرو گرفته بود. سروری الاهی در خود می‌دیدم و اسرار وحی خداوندی با نهایت عظمت و جلال در مقابل چشم من مکشوف و پدیدار بود.^۱

۲-۳. علوم غریبه

«علوم خَفِیَّه» یا «علوم غریبه» یکی از دو شاخه «علوم» در تقسیمات قدیمی دانش‌ها در نظام آموزش مدارس اسلامی بوده است. شاخه دیگر، یعنی «علوم جَلِیَّه»، به طب و منطق و هندسه و غیره مربوط است و قوانین مشخصی داشت و در کتاب‌ها نوشته و در مکاتب تدریس می‌شد؛ ولی علوم خفیه - که علوم غریبه نیز نامیده می‌شوند - به نیروهای مافوق طبیعت می‌پردازد و اسرار آن نزد عالمانش پنهان می‌ماند. اگرچه نمی‌توان علوم خفیه و علوم جلیّه را به ترتیب به همان متافیزیک و فیزیک ارسطویی ترجمه کرد؛ مشابهت بسیاری بین چنین تقسیم بندی‌هایی وجود دارد.

باور اکثر دانشمندان امروزی این است که توضیحات و ادعاهای نهان‌شناسی یا همان علوم خفیه با علم امروزی سازگاری ندارد و از راه‌های علمی بر مبنای روش علمی اثبات‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، علم امروزی تماماً در زمره علوم جلیّه می‌گنجد.

۱. خاوری، تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، ص ۲۳۰ و شهبازیان، خواب پریشان، ص ۱۷-۳۵.

علوم و فنونی مثل طالع بینی، جفر (علم الحروف) و رمل (علم نقطه)، احضار جن، کارگشایی، بخت گشایی، طلب فرزند، محبت و طلسمات و جادو؛ در رابطه با علوم شکل گرفتند و استفاده می شوند.

کلیه شاخه های علوم غریبه در کتاب های شیعه به ۳۴ شاخه تقسیم می شود.^۱ عالمان دینی تاکید کرده اند که اگر چه برخی از علوم غریبه در امور جزئی زندگی کاربردهایی دارند؛ علاوه بر این که باید از افراد معتبر اخذ گردند، در محدوده مسائل فقهی و به طریق اولی اصول عقاید اعتبار و حجیتی ندارد.^۲ به علاوه نسخه های فراوان و متعدد و متفاوتی که بیش تر به علم اعداد و حروف و شامل جدول های عجیب و غریب نجومی و غیره مربوط است؛ در دست است که هیچ گونه نسبت و استناد آنان به قرون اولیه اسلامی ثابت نیست، چه رسد به معصومان علیهم السلام.^۳

یکی از مدعیان، سید محمد فلاح رهبر تفکر انحرافی مشعشعیان است که از این علوم بهره می برده است. قاضی نورالله، اساس و آغاز فعالیت ها و دعوی های سید محمد فلاح را به دستیابی وی بر کتاب شیخ احمد بن فهد در «علوم غریبه و امور عجیبه و کرامات مهیبه» می داند، که از رهگذر آن، اعراب اطراف خوزستان را مرید خود کرد و تا آن جا پیش رفت که خود را به «مهدی» ملقب کرد. ظاهراً استاد شیخ احمد بن فهد، که از عواقب آگاهی از مطالب کتاب و کاربر آن آگاه بود، در لحظات احتضار آن را به یکی از خدمه داد که در فرات اندازد و سید محمد به حيله و حسن خطاب، آن را از دست کنیزک به در آورد و پنهانی به مطالعه مشغول شد تا این که به بعضی اشارات آن آگاه شد و برخی حرکات آن را آشکار کرد و به کار بست. از جمله آموزش هایی که از خلال مطالعه کتاب مذکور به دست آورد، ذکرى مشتمل بر اسم علی علیه السلام بود که با تعلیم آن به اعراب، به آن ها کیفیت تشعشع دست داده، بدنشان متحجر می شد و امور

۱. صدر، ماوراء الفقه، ج ۳، ص ۷۲ و مجلسی، حدود، قصاص و دیات، ص ۵۲.

۲. کاشف الغطاء، أنوار الفقاهة کتاب المکاسب، ص ۴۲-۵۷.

۳. جعفریان، مهدیان دروغین، ص ۴۰.

خطیر، چون شمشیر تیز بر شکم نهادن و آن را خم کردن، و دیگر اشیای عجیبه را مرتکب می‌شدند.^۱

۲-۴. معجزه

«معجزه»، از ماده «عجز» است. عجز، یعنی ناتوانی^۲ و معجزه، یعنی کاری که دیگران در مقابل آن ناتوانند و کسی دیگر به انجام دادن آن قادر نیست.^۳

بنابر روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) معجزه، راهی برای تشخیص درستی و نادرستی دعوت حجت‌الاهی از مدعیان دروغین است. امام صادق (علیه‌السلام) چنین فرموده‌اند:

«معجزه، علامت و نشانه است بر حق تعالی و آن را فقط به انبیا و رسولان و

حجت‌هایش عطا می‌فرماید، تا راست‌گو از دروغ‌گو مشخص شود.»^۴

مدعیان دروغین در این زمینه نیز تلاش دارند تا با نشان دادن برخی کارهای خارق‌العاده که در اکثر مواقع کارها و سخنانی واهی و اتفاقاً دال بر عدم حقایق آن‌هاست، ادعاهای خود را اثبات کنند.

علی محمد شیرازی در دعوت خود ادعای اعجاز کرده است و در عبارت‌هایی، کتاب «بیان» خود را بزرگترین معجزه اش می‌داند و مدعی است که اثر مذکور هیچ نظیر و همتا و شبیهی ندارد.^۵

همچنین در مناظره با علمای تبریز و در خواست معجزه از او، سخنی سخیف بیان کرده که در وصف آن چنین گفته‌اند:

همین که از وی سؤال شد از معجزه و کرامت چه داری؟ گفت: «اعجاز من این است

که برای عصای خود، آیه نازل می‌کنم» و سپس عباراتی منظم را بیان نمود که در

۱. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۳۲.

۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴-۲۵.

۴. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۲۲.

۵. جمعی از نویسندگان، درسنامه فرق انحرافی، ص ۱۴۸.

همان مجلس امیراصلان خان با بیان عباراتی شیواتر، اسباب خجل سازی وی را فراهم نمود.^۱

ابوالمعالی محمد حسینی علوی (۴۸۵ق) در کتاب خود فصلی را در این مورد تهیه کرده است و می‌گوید:

باب پنجم در پیدا کردن حکایات و نوادر گروهی که بیرون آمدند و دعوی‌های محال کردند، گروهی دعوی خدائی و گروهی دعوی پیغامبری نمودند. وی، به عنوان مثال، به ذکر اخباری درباره حسین بن منصور حلاج و ادعاهای وی اشاره دارد که چگونه ادعای کرامت کرده و حيله و نیرنگ‌هایش روشن شده، و خبر از فردی در دوران مامون می‌دهد که به علت مصادفت باران و صاعقه با شستن لباس وی، آن را دلیلی بر دارایی معجزه دانسته و ادعای نبوت کرده است.^۲

۲-۵. استخاره

«استخاره» عنوانی عام برای نوعی آداب دینی است که شخص، انتخاب احسن را از خداوند می‌طلبد. استخاره در لغت، طلب و خواستن بهترین در امری است؛ اما در اصطلاح دینی، واگذاری به خداوند متعال درجایی است که درنگ و تأمل وجود دارد. استخاره صرفاً در موارد مباح و مستحب پسندیده است و مواردی که بیان شرعی دارد شامل نمی‌شود.^۳ لذا در جایی که عقل قطعی حکم کرده یا موضوع واجب یا حرامی در میان باشد و یا امکان مشورت وجود داشته باشد، جای استخاره نیست.^۴ آنچه مسلم است و از هیچ یک از فقهای شیعه - حتی بزرگانی مانند سید بن طاووس که عنایت ویژه‌ای به استخاره داشته است - خلاف آن دیده نشده است، اعتقاد به عدم دستور قرآن و یا معصومان (علیهم‌السلام) در تمسک به استخاره با قرآن برای پیدا کردن حق از باطل و یا تایید ادعاهای مدعیان رسالت و نبوت می‌باشد.^۵ به تعبیر دیگر، در تمام اموری که

۱. نجفی، بهائیان، ص ۲۳۴.

۲. حسینی علوی، بیان الادیان، ص ۶۷-۹۴.

۳. جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۱۶۸.

۴. دانیالی، اعتبارسنجی استخاره با قرآن، ص ۶۴ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۲۲۹.

۵. ابن طاووس، کشف المحجّة، ص ۱۶۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۲۲۹.

راه توسط قرآن، عقل و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به صورت روشن بیان گردیده است؛ جای استخاره نیست و نمی‌توان بدان تمسک جست.

اما برخی از گروه‌های انحرافی تلاش دارند با استفاده از استخاره، ادعاهای خود را اثبات کنند. یکی از این دسته افراد، احمد اسماعیل بصری می‌باشد. این شخص برای اثبات ادعای خود به روایتی در کتاب الغیبه شیخ طوسی و عملکرد صفوان بن یحیی استناد کرده است.

و روی علی بن معاذ قال قلت لصفوان بن یحیی بآی شیء قطعت علی علی قال صلیت و دعوت الله و استخرت علیه و قطعت علیه؛^۱ علی بن معاذ می‌گوید: به صفوان بن یحیی گفتم که چگونه به امامت امام رضا (علیهم‌السلام) اعتقاد پیدا کردی؟ در پاسخ گفت: نماز خواندم و دعا کردم و استخاره نموده و به امامت ایشان یقین پیدا کردم.

این گروه ادعا دارند که بنابر نقل شیخ طوسی، می‌توان امامت را با استخاره اثبات کرد؛ در حالی که این روایت نه تنها دلیل بر ادعای آن‌ها نیست، بلکه دقت در کلام شیخ طوسی خلاف آن را اثبات می‌کند:

اولاً: این گروه مدعی هستند که باید سخن از اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد تا آن را بپذیرند و تنها عمل معصوم (علیهم‌السلام) حجت می‌باشد؛ در حالی که این سخن از صفوان بن یحیی است و عمل او برای ما حجت نیست.

ثانیاً: شیخ طوسی که تنها منبع نقل این روایت است، این سخن را برای قبول یا تایید ذکر نکرده، بلکه در بحثی مفصل در مورد واقفیه و جهت رد این روایت، آن را نقل کرده است. شیخ طوسی در بحثی مفصل در مورد واقفیه و نقد ادله آنان، از کتاب علی بن احمد علوی که در تایید واقفیه تالیف کرده، نام برده و عبارت‌های این کتاب را نقد و رد نموده است. ایشان در ابتدای نقد خود می‌گوید:

اما آنچه واقفیه نقل کرده‌اند، روایت‌های واحدی هستند که نمی‌توانند حجت و معتبر باشند و راویان آن‌ها معتبر و موثق نیستند و تمام این روایات تاویل شده‌اند.^۲

۱. طوسی، الغیبة، ص ۶۱.

۲. «فأما ما ترويه الواقعة فكلها أخبار آحاد لا يعضدها حجة ولا يمكن ادعاء العلم بصحتها و مع هذا فالرواة لها مطعون عليهم لا يوثق بقولهم و روایاتهم و بعد هذا كله فهي متأولة.» طوسی، الغیبة، ص ۴۳.

شیخ طوسی به خلاف ادعای احمد بصری، پس از نقل این خبر، آن را حيله ای از طرف واقفیه و علی بن احمد علوی دانسته است که می خواهند حقانیت امامت امام رضا (علیه السلام) را بدین وسیله بی اعتبار کنند. در واقع این نویسنده واقفی قصد داشته است با ذکر این مطلب، سستی و بی پایگی ادله شیعیان امام رضا (علیه السلام) را مطرح کند و به زعم خود نقصی بر حقانیت شیعیان رضوی را به رخ بکشد. لذا شیخ در پاسخ و نقد او می گوید:

در این خبر، فقط سرزنش کسی است که [در امر اعتقادات] تقلید کرده است و اگر این عمل توسط صفوان انجام شده باشد، برای ما حجت نمی باشد. به علاوه این که با توجه به منزلت صفوان بن یحیی و علم و زهدش، بعید است چنین عملی را انجام داده باشد و چگونه ممکن است با آن مقام علمی، و در مسله بزرگی مانند امامت، با مخالفان خود از طریق استخاره استدلال کند؛ الا این که طرف مقابل خود را فردی ابله دانسته و یا دچار غفلت شده باشد که در این هنگام، تکلیف از او ساقط بوده و به تحلیل دلیل او نیازی نیست.^۱

۱. «فهذا ليس فيه أكثر من التشنيع على رجل بالتقليد وإن صح ذلك فليس فيه حجة على غيره، على أن الرجل الذي ذكر ذلك عنه فوق هذه المنزلة لموضعه و فضله و زهده و دینه فكيف يستحسن أن يقول لخصمه في مسألة علمية أنه قال فيها بالاستخارة اللهم إلا أن يعتقد فيه من البله و الغفلة ما يخرج عن التكليف فيسقط المعارضة لقوله.» (همان، ص ۶۱).

نتیجه گیری

مدعیان دروغین می‌دانند برای القای مطالب باطل خود باید ادله‌ای ارائه کنند. لذا تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از منابع حقیقی و منابع غیر معتبر؛ اما مقبول در میان عرف، ادله خود را استخراج و اثبات مدعا کنند. از این رو، با بررسی منابع مورد استفاده در میان مدعیان، به دست می‌آید که این افراد از منابع مکتوب و غیر مکتوب بهره برده‌اند. منابع مکتوب شامل قرآن، کتاب‌های انبیای گذشته، کتاب‌های حدیثی و پیشگویی‌های مکتوب و منابع غیر مکتوب نیز شامل بیانات شفاهی، خواب، علوم غریبه و استخاره می‌باشد. استفاده از مواردی مانند خواب، استخاره و علوم غریبه، برای بیان استدلال کاملاً غیر معتبر است و شرع مقدس ادله ذکر شده از این طرق را دلیلی بر اثبات ادعاهای افراد مدعی نمی‌داند و راساً استفاده از این طرق و منابع باطل است. در موارد دیگر مانند استفاده از قرآن و روایات، اگر چه کشف مطلب از این طرق مورد تایید شارع است؛ مدعیان دروغین در سوء استفاده با تحریف در معانی و تقطیع تلاش کرده‌اند.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دار صادر، ۱۵ج، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، **علل الشرایع**، داوری، ۲ج، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، مترجم: علی اکبر غفاری، اسلامیة، ۲ج، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۴. ابن حماد، نعیم، **الفتن**، دارالکتب العلمیة، ۱ج، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۵. ابن طاوس، علی بن موسی، **التشریف بالمنن (الملاحم)**، موسسه صاحب الامر علیه السلام، ۱ج، چاپ اول، قم، ۱۴۱۷ق.
۶. ابن طاوس، علی بن موسی، **کشف المحجة لثمره المهجه**، بوستان کتاب، ۱ج، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۵.
۷. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الأعلام الاسلامی، ۶ج، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۸. اسماعیل بصری، احمد، **بیان الحق و السداد**، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، ۱ج، چاپ اول، بی جا، بی تا.
۹. اسماعیل بصری، احمد، **المتشابهات**، انتشارات انصار احمد اسماعیل، ۴ج، چاپ اول، بی جا، ۲۰۱۰م.
۱۰. الانصاری، ابومحمد، **جامع الادلة**، انتشارات انصار الامام المهدی (علیه السلام)، ۱ج، چاپ اول، بی جا، بی تا.
۱۱. تهانوی، محمد علی، **موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم**، مکتبه لبنان، ۲ج، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۶م.
۱۲. جعفریان، رسول، **مهدیان دروغین**، نشر علم، ۱ج، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
۱۳. جمعی از نویسندگان، **درسنامه فرق انحرافی**، مرکز تخصصی مهدویت، ۱ج، چاپ اول، قم، ۱۳۹۴.
۱۴. _____، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۲۴ج، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، **ادب فنای مقربان**، نشر اسراء، ۱۲ج، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸ش.

۱۶. جوهری، احمد، **مقتضب الاثر**، طباطبایی، ج۱، چاپ اول، قم، بی تا.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، **الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)**، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام ج ۲، چاپ اول، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، **تاج العروس**، دارالفکر، ج ۲، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. حسینی علوی، محمد، **بیان الادیان**، روزنه، ج ۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. حلی، حسن بن یوسف، **اجوبة المسائل المهنائية**، خیام، ج ۱، چاپ اول، قم، ۱۴۰۱ ق.
۲۱. خاوری، اشراق، **تلخیص تاریخ نبیل زندی**، لجنه ملی آثار امری، ج ۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۲۸ ش.
۲۲. دانیالی، محمد جواد، **اعتبارسنجی استخاره با قرآن**، فصلنامه علمی - تخصصی (فقه)، ش ۶۸، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. دوانی، علی، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **مهدی موعود**، دار الکتب الإسلامية، ج ۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۴. زبیدی، حیدر، **یمانی موعود حجت الله**، انتشارات انصار احمد اسماعیل بصری، ج ۱، چاپ اول، بی جا، بی تا.
۲۵. سبحانی، جعفر، **ارشاد العقول**، موسسه امام صادق علیه السلام، ج ۴، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ق.
۲۶. سیوطی، عبدالرحمن، **العرف الوردی فی اخبار المهدی**، مجمع تقریب مذاهب، ج ۱، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. شوشتری، قاضی نورالله، **مجالس المؤمنین**، کتابفروشی اسلامیة، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. شهبازیان، محمد، **خواب پریشان**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۵ ش.
۲۹. شهبازیان، محمد، **نقد برخی روایات مهدوی در کتابهای ابوالحسن مرندی**، فصلنامه پژوهش های مهدوی، ش ۱۱، ۱۳۹۳ ش.
۳۰. شهبازیان، محمد، **نقد و بررسی نشانه های ظهور در سه اثر از شیخ ابوالحسن مرندی**، فصلنامه انتظار موعود، ش ۴۶، ۱۳۹۳ ش.

۳۱. صدر، سید محمد، **ماوراء الفقه**، دارالاضواء، ۱۰ج، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

۳۲. طبري، محمد بن جرير، **دلائل الإمامة**، بعثت، ۱ج، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.

۳۳. طريحي، فخر الدين بن محمد، **مجمع البحرين**، مرتضوی، ۶ج، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ ش.

۳۴. طوسي، محمد بن الحسن، **كتاب الغيبة**، دار المعارف الاسلامية، ۱ج، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ ق.

۳۵. عرفان، امير محسن، **گونه شناسی مدعیان دروغین مهدویت**، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ش ۳۰، ۱۳۹۳ ش.

۳۶. عقیلی، ناظم، **الرد الحاسم**، انتشارات انصار الامام المهدي عليه السلام، ۱ج، چاپ اول، بی جا، بی تا.

۳۷. فرزاد، حمید، **شاه ولی و دعوی مهدویت**، دانشگاه اصفهان، ۱ج، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۸۱ ش.

۳۸. کاشف الغطاء، حسن، **أنوار الفقاهة: كتاب المكاسب**، مؤسسة كاشف الغطاء العامة، ۱ج، چاپ اول، نجف، ۱۴۲۲ ق.

۳۹. گیلانی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمد، **قوانین الاصول**، المكتبة العلمية الاسلامية، ۱ج، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸ ق.

۴۰. مجلسی، محمد باقر، **حدود، قصاص و دیات**، موسسه نشر آثار اسلامی، ۱ج، چاپ اول، تهران، بی تا.

۴۱. مجلسي، محمد باقر، **بحار الانوار**، داراحیاء التراث العربي، ۱۱۱ج، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۴۲. محمدی، صادق، **وصی و فرستاده امام مهدی در کتابهای تورات و انجیل و قرآن**، انتشارات انصار امام مهدی، ۱ج، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق.

۴۳. مرتضی، علی بن الحسین، **رسائل الشریف المرتضی**، دارالقرآن الکریم، ۴ج، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ ق.

۴۴. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، انتشارات ادنا، ۲ج، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۶ ش.

۴۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الفصول المختارة**، کنگره شیخ مفید، ۱ج، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ ق.

۴۶. رضانژاد، عزالدین، شهبازیان، محمد، تحلیل چهره شناسی حضرت مهدی علیه السلام و

نقد دیدگاه تعدد قائم، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود ش ۴۳، ۱۳۹۶ش.

۴۷. نجفی سید محمد باقر، بهائیان، مشعر، ج ۱، چاپ اول، قم، ۱۳۸۳ش.

۴۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مناهج الأحكام و الاصول، بی نا، ج ۱، بی جا، بی تا. موجود در

کتابخانه اینترنتی نور به آدرس:

<http://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Image/16676>